

کامنامه تحلیلی هدایت

ویژه:

هادیان و مسئولان سیاسی

«گفتمان خدمت صادقانه با مدیریت جهادی»



معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

بهمن ماه ۱۳۹۷

۱۶

«گفتمان خدمت صادقانه با مدیریت جهادی»

آنچه در این شماره می‌خوانید:

مقدمه

اهمیت و ضرورت موضوع

۱- گفتمان پیشنهادی؛ خدمت صادقانه با مدیریت جهادی

الف) خدمت صادقانه

ب) عدالت اسلامی

ج) مبارزه بی‌امان با مفسدان

د) نفی مترفان

ه) حفظ انسجام اسلامی

و) صیانت از فرهنگ ایرانی - اسلامی

ز) ولایت محوری

۲- انتظارات از این گفتمان

۳- الزامات اجرای صحیح این گفتمان

۴- شیوه‌های حاکم‌سازی این گفتمان

۵- فضای مجازی

«باید مدیریت جهادی را بر دیوان سالاری های فرسوده ترجیح بدهیم؛ این یکی از اولویتهای ما است؛ اصرار بر مدیریت جهادی. مسئولین کشور در قوهی مجریه، در قوهی قضائیه، در بخشهای مختلف، مدیریت جهادی را دنبال نکنند. مدیریت جهادی به معنای بی انضباطی نیست؛ پُرکاری، با تدبیر حرکت کردن، شب و روز نشناختن و دنبال کار را گرفتن، این معنای مدیریت جهادی است». (رهبر معظم انقلاب ۱۳۹۶/۱۱/۲۹)

مقدمه

نظام اسلامی بعد از دوران دفاع مقدس چهار رئیس جمهور را تجربه کرده است که هر یک دو دوره سکاندار اجرایی کشور بوده اند. آقایان هاشمی، خاتمی، احمدی نژاد و روحانی هر یک در برهه ای با سر لوحه قراردادن یکی از شعارهای انقلاب اسلامی، اقبال مردم را جلب کرده و مسئولیت اجرایی کشور را به عهده گرفته اند. ذیل آن شعارها گفتمانهایی شکل گرفت که همه در طول گفتمان انقلاب اسلامی بودند، سازندگی، قانون گرایی و جامعه مدنی، خدمت و عدالت و اعتدال، شعارهای محوری بودند که همه از جمله شعارها و اهداف انقلاب اسلامی بودند. اما نحوه عمل روسای دولتهای مختلف به همراه تیم اصلی آنها به گونه ای بوده که مردم بعد از دو دور ریاست آنها، به جریان سیاسی مقابل حامی آن رأی داده اند و علت آن نارضایتی از نتایج عملکرد آنها بوده است. امروزه با توجه به مشکلات موجود جامعه، طرح هر یک از گفتمان های فوق در افکار عمومی، بلافاصله عملکرد دولتی را که با آن گفتمان شناخته می شود، تداعی می کند و جامعه به نوعی مقابل آن موضع گیری می نماید. درعین حال جامعه از کاستی در خدمت به مردم، تبعیض ها، عدم نظارتها و برآورده نشدن انتظارات از مجازات مفسدان (علی رغم اقدامات شایسته قوه قضائیه) و مشی مترفانه برخی مدیران گلایه مند است و خواهان تغییر جدی رویه مسئولان در موارد فوق می باشد.

اهمیت و ضرورت موضوع

جامعه در نقاط عطف تصمیم گیری محصور در جهت گیری های افکار عمومی است، به عبارت دیگر هر موضوع و یا گفتمانی که در افکار عمومی با اقبال مواجه می شود تاثیر غیر قابل انکاری در تصمیم گیری جامعه دارد و اکنون متاثر از خواسته های متراکم و انباشته شده، تدوین گفتمانی که جمیع خواسته های جامعه را نمایندگی کند بسیار حائز اهمیت است.

در کنار اهمیت فوق باید به این نکته هم اذعان نمود که برخی جریانات سیاسی با بهره گیری از تکنیک های تبلیغاتی و رسانه ای در پی غالب کردن گفتمان ها و شعارهای غیر مرتبط با نیاز های اصلی جامعه هستند. ایجاد دوقطبی های کاذب و انحرافی مهمترین شیوه و روش آنهاست. این دسته از جریانات سیاسی در تحلیل خوش بینانه، قدرت طلبانی هستند که خواسته ای جز بر مسند قدرت ماندن ندارند، اما نتیجه عملکرد آنها در بلند مدت دلسرد کردن و ناامید کردن مردم از نظام اسلامی و افزایش بی اعتمادی به کارآمدی آن است.

۱- گفتمان پیشنهادی؛ خدمت صادقانه با مدیریت جهادی

منتج از نظرات و گلایه های مطرح در جامعه، گفتمان پیشنهادی باید اجزای زیر را که هریک در مقطعی به عنوان گفتمان غالب در جامعه مطرح بودند، شامل شود.

الف) خدمت صادقانه

یکی از گلایه های به حق مردم کم توجهی برخی از مسئولان نسبت به مسئولیت های خویش است، مردم به این واقعیت پی بردند که بخش اعظمی از مشکلات امروز جامعه از کم کاری ها و سوء تدبیر های برخی مدیران است، مدیرانی که قبل از جلب اقبال مردم به سوی خود شعارهای زیادی در حل مشکلات مردم سر می دهند و نسبت مسئولان قبلی انتقادات زیادی مطرح می کنند، اما وقتی خود بر مسند قدرت قرار می گیرند بعد از مدتی کم کاری ها، حاشیه سازی ها و طرح مباحث غیر ضرور را آغاز می نمایند و به همان نسبت از انجام وظایف خود غافل می شوند.

مردم امروز فرق خدمت صادقانه و خدمت منفعت طلبانه را می فهمند و علی رغم عصبانی بودن از کم کاری ها، اقبالی هم نسبت به افرادی که چند صباحی به خدمت نمایشی روی می آورند، نخواهند داشت. در حقیقت دال مرکزی گفتمان پیشنهادی باید «خدمت صادقانه به مردم» باشد، چرا که مطالبات انباشته و قصورهای صورت گرفته و کم کاری های برخی مسئولان مردم را در این خصوص بسیار گلایه مند کرده است.

ب) عدالت اسلامی

عدالت اسلامی یکی از شعارهای محوری در دولت های هشتم و نهم بود که دقیقاً ذیل ابر گفتمان انقلاب اسلامی تعریف می شد. هر جامعه ای تشنه ی عدالت است و در ادعا همگان مدعی اجرای عدالت هستند اما وقتی وارد مصادیق عدالت می شوند، اختلاف نظرها شروع می شود. امیرالمومنین (ع) در نهج البلاغه تاکیدات فراوانی راجع به عدالت دارند از جمله در حکمت ۴۷۶ خطاب به زیادبن ابیه که به حکومت فارس و شهرهای پیرامون آن منصوب می فرمایند: «عدالت را بگستران و از ستمکاری پرهیز کن که ستم، رعیت را به آوارگی کشاند و بیداد گری به مبارزه و شمشیر می انجامد».

مردم امروزه عدالت را در همه حوزه ها مطالبه می کنند، عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی، عدالت آموزشی، عدالت فرهنگی و ... اینکه فردی یا حزب و جریانی صرفاً ادعای عدالت داشته باشد کافی نیست بلکه مردم باید در عمل اعتقاد و التزام به عدالت را در مسئولان ببینند و آن را تایید نمایند. بیان خط قرمزها از جانب برخی مسئولان برای ممانعت ورود دستگاه قضائی، هیچ نسبتی با عدالت ندارد و متأسفانه مردم شاهد طرح برخی خط قرمزها از سوی مسئولان حاضر و سابق بوده اند و ذهنیت منفی نسبت به آن دارند.

در همین زمینه وجود تبعیض های فراوان بین کارکنان و مدیران آنها و یا بین کارکنان دستگاه های مختلف، نمونه ای از مطالبه مردم در اجرای عدالت است که باید ذیل گفتمان پیشنهادی لحاظ گردد.

ج) مبارزه بی امان با مفسدان

ذیل اجرای عدالت، مبارزه با فساد اصلی اساسی است. شاید کمتر موردی مانند ریشخند زدن مفسدان اقتصادی آحاد جامعه را عصبانی کند و در نقطه مقابل کمتر موردی مانند مجازات مفسدان التیام بخش آلام جامعه در تنگناهای معیشتی باشد، خصوصاً هنگامی که جامعه بخشی از مشکلات اقتصادی و معیشتی خود را از ناحیه زالو صفتانی می داند که با فسادهای میلیاردری سختی زندگی آنها را مضاعف نموده اند. در این خصوص جامعه مشی امامی را طلب می کند که در جواب برادرش که مبلغی افزون بر سهمش از بیت المال طلب کرده بود، آهن گداخته را نزدیک کرد و در جای دیگر فرمود اگر حتی دخترم از بیت المال چیزی را به نا حق بر دارد دستش را قطع می کنم.

این اعتقاد راسخ و التزام محکم را در مبارزه با فساد باید در بین مسئولان رواج داد که اگر چنین شد، مردم در هر سختی و تحریمی کنار نظام و مسئولان خود خواهند ایستاد.

د) نفی مترفان

خداوند در آیه شانزده سوره مبارکه اسراء می فرماید:

«وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا» (و ما چون اهل دیاری را بخواهیم به کیفر گناه هلاک سازیم پیشوایان و متنعمان آن شهر را امر کنیم (به طاعت، لیکن) آنها راه فسق (و تبهکاری و ظلم) در آن دیار پیش گیرند (و مردم هم به راه آنها روند) پس آنجا تنبیه و عقاب لزوم خواهد یافت، آن گاه همه را هلاک می سازیم).

از این آیه چنین برداشت می شود هر کس کفران نعمت کند و رفتار مترفانه در پیش گیرد عذاب برای او مسجل است و یکی از مصادیق مترفان در حال حاضر معدود مدیرانی هستند که نعمت مسئولیت داشتن در نظام اسلامی را پاس نمی دارند و به آن خیانت می کنند. خدمت در نظام اسلامی یک نعمت است و مسئولیت شناسی خیانت و کفران نعمت است. انقلاب اسلامی در بدو پیدایش خود فرهنگ طاغوتی را در حوزه های پست و مقام های حکومتی دگرگون کرد. در آموزه های اسلامی پست و مقام امانتی است که مردم به افراد مشخصی می سپارند و هرگونه مسئولیت شناسی و غفلت از انجام تعهدات و نگاه غنیمت گونه به آن پست، به منزله خیانت به ملت تلقی می شود، چه رسد به آنکه یک مسئول در نظام اسلامی رفتار مترفانه و متکبرانه به خود گرفته و با حرکت در مسیر اشرافی گری، نمک به زخم های اقتصادی و معیشتی مردم بپاشد.

ه) حفظ انسجام اسلامی

به فرموده امام خمینی «ره» رمز پیروزی انقلاب اسلامی وحدت کلمه مردم بوده است و رمز بقاء و استمرار نظام اسلامی هم وحدت مردم و مسئولان خواهد بود. دشمنان داخلی و بیرونی به این واقعیت پی بردند که با وجود اتحاد بین مردم، کار چندان از پیش نخواهند برد و برای ضربه زدن به جامعه و منافع ملی کشور باید وحدت جامعه را هدف قرار دهند، از این رو هرازگاهی به بهانه های مختلف موضوعی را برای اختلاف افکنی در جامعه طراحی می نمایند و با شکل دهی به دو یا چند قطبی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دقیقاً به دنبال ایجاد چند دستگی در جامعه هستند و در این خصوص اتحاد شومی میان دشمنان بیرونی و وابستگان فکری و سیاسی آنها در داخل وجود دارد. یکی دیگر از آفت های انسجام ملی جناح بازی و قبیله گرایی سیاسی است، به این معنا که وقتی یک جناح سیاسی اقبال مردم را جلب می کند، به قول خودشان دست به پاکسازی سیاسی! می زنند و همین اتفاق در دور بعد توسط رقیب تکرار می شود و جامعه مدیریتی کشور در چنبره این دور باطل زیان می بیند. قطعاً کم توجهی به شایسته سالاری و بی توجهی به شایستگان از جریانات سیاسی دیگر در خدشه به انسجام ملی بی تاثیر نیست.

و) صیانت از فرهنگ ایرانی - اسلامی

انقلاب ما اساساً "فرهنگی و اسلامی بوده است و استمرار و پیش بردگی آن نیز منوط به پایبندی به فرهنگ ایرانی - اسلامی خویش است و به میزانی که این مولفه اساسی در معرض تهدید و آسیب قرار گیرد به همان میزان امنیت و منافع کشور به خطر افتاده و توان و اقتدار ما مقابل دشمنان تقلیل خواهد رفت. بعید نیست مشکلاتی که در حوزه های اقتصادی، سیاسی و یا امنیتی برای ما ایجاد می کنند به منظور غفلت از حوزه فرهنگ باشد، چرا که اگر ما همه مشکلات کشور را حل کنیم، اما در طول زمان بن مایه های اصلی فرهنگ ایرانی اسلامی خود را از دست دهیم، بعید است بتوانیم با ترمیم آنها مقابل دشمن ایستادگی کنیم.

ز) ولایت محوری

وجود سلاطین مختلف نشانه پویایی و زنده بودن یک جامعه است و خود فرصتی برای پیشرفت جامعه محسوب می شود، اما اگر در اداره جامعه سلاطین مختلف به چارچوبی منطقی و برای تعیین حدود و ثغور حرکت در مسیر سلاطین ملتزم نگردند، بعید نیست جامعه به سمت هرج و مرج حرکت کند. شاید برخی ها قانون را ملاک این امر قرار دهند، اما در عین درستی آن، برخی با عدم تمکین به قانون جامعه را به لبه پرتگاه می برند که نمونه هایی از آن را در تاریخ انقلاب سراغ

داریم. ما از هر منظری به اداره جامعه بنگریم اعم از نگاه شرعی، نگاه عقلانی و یا نگاه تجربی به این نتیجه می‌رسیم که ولایت محوری ضامن وحدت و انسجام ملی، حفظ منافع ملی و تامین امنیت کشور است. موارد فوق مؤلفه‌هایی است که باید در شکل‌گیری گفتمان جدید برای برون رفت از وضعیت فعلی لحاظ گردند و هر فرد، حزب و جریانی که می‌خواهد با جلب اقبال مردم سکان دار بخشی از اداره جامعه شوند مواضع و رفتار خود را در تطابق با موارد بالا قرار دهد.

۲- انتظارات از این گفتمان

همان‌طور که ذکر شد، گفتمان‌هایی که تا کنون در سپهر سیاسی جامعه طرح شده‌اند همه ذیل گفتمان انقلاب اسلامی بوده‌اند اما عملکرد منفی حاملان آنها نوعی بدبینی در جامعه را ایجاد کرده و بعید نیست کژ اندیشان با تحلیل‌های مغرضانه از وضعیت کنونی، گفتمان‌هایی را در جامعه طرح نمایند که نسبتی با ابر گفتمان انقلاب اسلامی نداشته و به نوعی تهدید کننده استقلال، هویت و باورهای دینی و فرهنگی جامعه باشد. لذا طرح گفتمان اصیل و مورد انتظار جامعه همراه با اجرای درست اجزای آن در جامعه، افزایش دهنده امید مردم و اعتماد آنها به کارآمدی نظام اسلامی خواهد بود. قطعاً در این میان دو صد گفته چون نیم کردار نیست، و عمل خالصانه است که برکت خداوند را به همراه داشته و اقبال و حمایت مردم را به دنبال خواهد داشت.

منتج از این گفتمان سرمایه اجتماعی نظام اسلامی افزایش خواهد یافت و به میزانی که مردم احساس نمایند مسئولان حوزه‌های گوناگون در تلاش برای حل مشکلات جامعه هستند، به کمک دولت آمده و به طور جدی برای حل یا کاهش مشکلات جامعه مشارکت خواهند کرد و طبعاً محدودیت‌های دولت را درک کرده و تاب‌آوری آنها را افزایش خواهد داد. حاکمیت گفتمان مطلوب، دشمنان ملت ایران را ناامیدتر از گذشته خواهد نمود و طبعاً در پیگیری توطئه‌هایی که علیه ملت ایران تدوین و اجرا می‌نمایند دچار شک و تردید خواهند شد.

۳- الزامات اجرای صحیح این گفتمان

هرگفتمانی برای حاکم شدن و موثر بودن در روند جامعه نیازمند فراهم بودن یک سری الزامات است که اهم آنها به شرح زیر می‌باشند:

- الف) ایجاد مفاهیم ملی و اراده جمعی نسبت به آن
- ب) تبیین و تبلیغ صحیح و مستمر و موثر آن
- ج) تبیین گفتمان‌های غیر و تبعات آنها برای منافع ملی
- د) نهادینه سازی اجزای آن در اقشار مختلف و خصوصاً اقشار پایه مانند دانش آموزان و دانشجویان
- ه) پرهیز از تنگ کردن دایره مخاطبان و ذی نفعان این گفتمان
- و) بیان و تشریح مستمر پیامدهای این گفتمان در مجامع مختلف
- ز) تلاش برای تربیت مجریان صادق برای اجرای اجزای این گفتمان

۴- شیوه‌های حاکم سازی این گفتمان

طبیعی است که گفتمان‌ها در خلاء شکل نمی‌گیرند و از طرفی شرایط اجتماعی هم به گونه‌ای است که موانع متعددی پیش روی غالب شدن گفتمان مورد نظر وجود دارد. گفته شد که فضای افکار عمومی در حاکمیت گفتمان‌ها تاثیر اساسی دارند، لذا اولین گام در این مسیر شناخت و درک صحیح از افکار عمومی جامعه و دغدغه‌ها و اولویت‌های آنهاست. گفتمانی که ادعای جلب اقبال عمومی را دارد نمی‌تواند نسبت به تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی

جامعه بی تفاوت باشد و یا دغدغه های ذهنی آحاد جامعه را نادیده انگارد و یا در صدد مقابله با آنها بر آید، بلکه روش صحیح، درک و مدیریت آنها و جهت دهی در مسیر منافع و اولویت های کشور است.

گام دوم ایجاد جبهه فراگیر از نیروهای انقلابی و در مرحله بعد، از آحاد جامعه است. این امر نیاز به رویکرد جهادی در عرصه تبیین دارد به گونه ای که اراده ای جمعی در بین نیروهای انقلابی برای حاکم سازی این گفتمان شکل گیرد.

گام سوم مراقبت از پاتکهای حاملان گفتمان های رقیب است. به هر حال هستند افرادی که دل در گرو دیگران دارند و گفتمانهایی را ترویج میکنند که تناسبی با اسلام و انقلاب ندارند، اما با تلاش فراوان در صدد حاکم سازی آنها هستند و البته از شرایط موجود جامعه سوء استفاده می کنند. شناخت و شناساندن ماهیت و تبعات حاکمیت گفتمان آنها بسیار ضروری است.

گام بعدی مراقبت از نیفتادن در دام هایی است که برای جریان انقلابی پهن می نمایند، اصلی سازی مسائل فرعی، طرح موضوعات غیر مهم در جامعه و سرگرم ساختن جامعه به آنها، ایجاد دو قطبی های مصنوعی و ترسیم فضای دیو و پری و فریب افکار عمومی، همه برای گمراه کردن جریان انقلابی و قرار دادن آحاد جامعه و خصوصاً جوانان مقابل جریان اصیل انقلاب و خدمت گذار است.

و گام نهایی شناسایی و به میدان آوردن افرادی است که کوچکترین شائبه رانت خواری، قدرت طلبی و ثروت اندوزی در سابقه خود ندارند و افرادی باشند که به معنای واقعی کلمه خود را نوکر مردم بدانند و خدمت به مردم را عبادت بشمارند. این گونه اشخاص در مجموعه افراد با سابقه کم نیستند، اما جامعه متناسب با تغییر و تحولات اجتماعی نیازمند تغییر در کارگزاران نیز هست و هر چند که تجربه ارزشمند است اما انگیزه های نو و مستحکم حتماً کاستی تجربه را جبران می کند، ضمن آنکه انتقال تجربه در یک مجموعه بزرگ تصمیم گیری مانند مجلس شورای اسلامی، با درصدی از آنها هم امکان پذیر است.

۵- فضای مجازی

به موازات گام های فوق مهمترین ابزار و عرصه ای که باید در این راستا مد نظر قرار گیرد، فضای مجازی و شبکه های پیام رسان در این فضا است. یکی از تغییرات و تحولات اجتماعی و فرهنگی که غفلت یا مخالفت با آن باعث دور شدن از عرصه تاثیر گذاری بر جامعه می گردد، ورود پدیده فضای مجازی به جامعه و تاثیر گذاری عمیق آن بر شؤون مختلف اجتماعی است. نکته مهم در این عرصه آنکه حاملان گفتمان های غیر انقلابی محدودیت و قیودی را برای خود در این فضا نمی شناسند، اما جریان انقلابی ملزم به رعایت اخلاق، صداقت، حفظ انسجام ملی، آرمانگرایی و صیانت از ارزش هاست. هر چند صحنه گردانها فضای مجازی علناً مخالف گفتمان انقلابی و اسلامی هستند و به انحاء مختلف زمینه را برای گفتمان لیبرال و وابسته به غرب فراهم می نمایند، اما فضای سایبر به گونه ای است که همگان می توانند با فعالیت های پر تلاش در آن تاثیر گذار باشند. در حال حاضر یکی از مهمترین ابزارها برای جهت دهی به افکار عمومی و غالب کردن یک گفتمان، فضای سایبری است که جریان انقلابی بسیار متفاوت تر از گذشته باید در آن نقش آفرینی کند.

- مدیران و هادیان سیاسی می توانند با تعمق در این موضوع و بیان نقد و نظرات خود به غنا و کاربردی شدن آن کمک نمایند.